

بیت کوین و اقتصاد ایران

دوم آنکه از طریق قوانینی مانند ضدپول‌شویی، قانون U-turn و قانون حمایت از افشاکننده تخلف، به‌راحتی می‌تواند گردش بیت کوین یا دیگر رمزارزها را در داخل کشور کنترل کند.اما واقعیت آن است که دولت‌ها در کنار حق انتشار پول (که معمولا از آن برای تأمین مالی منافع عمومی استفاده می‌کنند)، از طریق نظام بانکی و پرداخت، بر تراکنش‌های رسمی مبتنی بر پول رسمی کشور نیز نظارت می‌کنند و در صورت لزوم، با پیگیری منبع پول و مبدا و مقصد آن، مانع جرم‌هایی مانند پول‌شویی یا فرار مالیاتی می‌شوند. بنابراین، رمزارزها که امکان پرداخت مستقیم بدون بیت بانک واسط را فراهم می‌کنند، ابزاری بسیار خوب برای دورزدن محدودیت‌های پول‌شویی و فرار از نظارت بر نظام پرداخت هستند و در اینجا اهمیت رمزارزها برای دورزدن تحریم‌ها که از طریق نظام پرداخت بین‌الملل و فعالیت بانک‌های بین‌المللی در آن اجرا می‌شود نمایان می‌شود. البته استفاده از رمزارز برای دورزدن تحریم، مستلزم مجازنودن رمزارز در کشور طرف معامله به عنوان کالا و همچنین پذیرش ریسک‌هایی مانند اتهام پول‌شویی و پنهان‌کاری مالی توسط طرف مقابل است که مشکلات خاص خود را دارد و بنابراین با وجود امکان‌پذیری فنی انتقال رمزارز به خارج، طرف‌های خارجی از پذیرش آن امتناع می‌کنند. با این دیدگاه کلی درخصوص رمزارزها، می‌توان وضعیت فعلی ایران و مصوبه اخیر و آینده رمزارزها را بهتر به تصویر کشید. درخصوص این مصوبه، ضمن تأیید کلیات مربوطه به نظر می‌رسد

برخی موارد مغفول مانده است. برای مثال، هم اجازه استفاده از نیروگاه‌های گازی و با سوخت مایع برای تأمین برق مورد نیاز ماینرها داده شده و هم اجازه استقرار آنها در محدوده کلان‌شهرها. بنابراین در کنار آلودگی صوتی، دستکده‌های مربوطه بدلیل مجازنودن استقرار نیروگاه‌های مذکور در محدوده کلان‌شهرها، سبب تشدید آلودگی هوا خواهند شد. بنابراین برطرف‌شدن این خلا ضروری به‌نظر می‌رسد. مورد دیگر، قیمت‌گذاری حامل‌های انرژی (برق، گاز و سوخت مایع) دریافتی از شبکه سراسری برمنبای قیمت‌های جهانی است. واقعیت آن است که برای اجرای این سیاست تبعیض قیمت، لازم است دولت با نهادهای تأمین‌کننده انرژی بتوانند مشتریان خود را تفکیک کنند. حال آنکه اخذ اشتعاعات برق و گاز، با اهدافی مغایر با هدف ابرازشده، دشوار بوده و امکان پیشگیری از استفاده ماینرها از برق خانگی، تجاری یا صنعتی مشکل به‌نظر می‌رسد. این امر خصوصا در استفاده ماینرها از حامل‌های انرژی در زمان اوج مصرف، می‌تواند تبعات مخرب دیگری نیز به دنبال داشته باشد. بنابراین مناسب خواهد بود که استقرار واحدهای استخراج رمازر، به شهرک‌های صنعتی محدود شده و برای قابلیت تفکیک آنها از سایر مشترکان حامل‌های انرژی، حتی‌المقدور استقرار آنها در کنار هدیدگر و با فاصله‌ای ملموس از سایر صنایع مستقر در شهرک صنعتی صورت گیرد. در نهایت، به نظر می‌رسد استخراج رمزارزها می‌تواند روش مناسبی برای تبدیل حامل‌های انرژی به کالای صادراتی باشد که حسب ماهیت آن، چندان تحریم‌پذیر نیست و مبادله‌کنندگان آن تا زمانی که خود را معرفی نکنند کاملا ناشناس هستند. این امر به خودی خود می‌تواند دقمی در راستای دورزدن تحریم صادرات نفت ما باشد. اما باید یادآوری کرد که به دلیل اقتدار طراح هر رمزارز بر بازار آن، بهتر است رمزارزهای تولیدشده بلافاصله صادر شوند تا ریسک مذکور منجر به ازدست‌رفتن ارزش رمزارزهای تولیدشده نشود. همچنین در صورت سودا‌وربودن این فعالیت با قیمت‌های بین‌المللی انرژی، مجازشدن آن می‌تواند انگیزه زیادی برای توسعه صنعت برق کشور از طریق جذب سرمایه‌گذاری برای نیروگاه‌های جدید و حتی برق مبتنی بر انرژی‌های نو مانند انرژی خورشیدی یا بادی فراهم کند. در نهایت، بسیار مناسب خواهد بود تا با توسعه به‌کارگیری فناوری بلاک‌چین، رمزارزهای متناسب با نیازهای ایرانی طراحی و توسعه داده شوند تا در عرصه بین‌المللی صادر شده و برای مبادلات کالاهای ایرانی مورد استفاده قرار گیرند. در آن صورت، می‌توان به هدایت ماینرها یا ایرانی به سمت استخراج رمزارزهای متناسب با نیازهای کشور، به سمت بی‌انزکردن تحریم‌های مالی و بانکی کشور حرکت کرد.

خبر

تشکیل کمیته مشترک وزارت اقتصاد و سازمان برنامه و بودجه

● کمیته مشترک وزارت اقتصاد و سازمان برنامه و بودجه برای اصلاح نظام مالی کشور با مصوبه اخیر هیئت دولت تشکیل خواهد شد.به گزارش تسنیم، با تصویب هیئت وزيران به منظور ایجاد وحدت رویه و استاندارد‌های یکسان در سامانه‌های بودجه‌ای سازمان برنامه و بودجه کشور و وزارت امور اقتصادی و دارایی، کمیته راهبري اصلاح نظام مالی کشور متشکل از رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور و وزیر امور اقتصادی و دارایی تشکیل می‌شود.در حال حاضر نرم‌افزارها و ساختارها، گزارش‌ها و نظام کدینگی فعلی معاونت خزانه‌داری پاسخ‌گوی نیازهای اطلاعاتی سند بودجه‌ای کشور در سازمان برنامه و بودجه کشور نیست و از این منظر، کارایی و اثربخشی تخصص منابع عمومی کشور را نیز متاثر می‌کند.

دادگاه موسوم به ۹ اخلاکر ارزی اگرچه سه جلسه متناوب در هفته گذشته برگزار شد؛ اما کمتر از زمان بازداشت احمد عراقچی، معاون ارزی بانک مرکزی، سروصدا به پا کرد و جز پخش‌هایی از کيفرخواست که در جلسه نخست دادگاه منتشر شد، خبر دیگری از جلسات دادگاه مخابره نشد. موضوع مربوط به روزهای شروع التهاب ارزی در سال ۹۶ است که بانک مرکزی برای کنترل قیمت‌ها تصمیم به مداخله می‌گیرد. مداخله ۱۶ روزه بانک مرکزی در بازار ارزی، خیلی زود با دستگیری کارگزار غیررسمی بانک مرکزی یعنی سالار آقاخانی متوقف می‌شود و کم‌کم دامنه این دستگیری‌ها گسترده‌تر شده و به مدیران اصلی بانک مرکزی می‌رسد.دستگیری احمد عراقچی درست یک سال پیش در مرداد ۹۷ اتفاق می‌افتد و بازداشت او بیش از یک ماه طول می‌کشد. نخستین موعِد دادگاه این متهمان پس از گذشت یک سال ۱۳ مرداد ۹۸ در شعبه دوم دادگاه ویژه اخلاکران اقتصادی تعیین شده که این جلسه در غیاب چند نفر از متهمان، به قرارت کيفرخواست خلاصه و دفاع متهمان به جلسات بعد موکول شد. جلسه دوم و سوم نیز در تاریخ ۱۵ و ۱۶ مرداد برگزار شد و نهایتا ختم جلسات اعلام و به متهمان گفته شد لاولج خود را در مدت دو روز به دادگاه تقدیم کنند.«شرق» برای کسب اطلاع از جزئیات بیشتر این اخلاک ارزی و برای آگاهی افکار عمومی از نحوه وقوع این اخلاک در بازار ارز با یکی از مطلعان پرونده گفت‌وگو کرد که در ادامه می‌خوانید:

● **جلسه نخست دادگاه موسوم به ۹ اخلاکر ارزی روز یکشنبه، ۱۳ مرداد، برگزار شد و اتهاماتی که در کيفرخواست نوشته شده بود، از سوی رسانه‌ها منتشر شد. چرا هیچ خبری از جلسه دوم و سوم دادگاه بیرون نیامد؟** دادگاه گر چه علنی بود؛ اما فقط جلسه قرائت کيفرخواست به صورت علنی در جلسه اول به شکل مختصر پخش شد و جلسات بعد که جلسات دفاع متهمان بود، بدون حضور خبرنگاران و دوربین برگزار شد. حتی متهمان نیز همراه یکدیگر در جلسه حاضر حضور پیدا نکردند و تک‌به‌تک به اتاق فراخوانده شدند.

اگر فرض را بر این بگذاریم که این ۹ نفر همه جرم شناخته شده‌اند و اتهام‌شان اثبات شده است، آیا این حق مردم نیست که بداندن این جرم چگونه انجام شده است؟ افکار عمومی باید بداند افرادی که از آنها با عنوان دانه‌درشت و سرشاخه فساد نام برده می‌شود، چگونه این جرم را مرتکب شده‌اند.

● **چرا عنوان اتهامات «قاچاق ارز» است؟**

عنوان اتهام، اخلاک از طریق قاچاق ارز است. به عبارت دقیق‌تر «مشارکت در اخلاک در نظام ارزی و پولی کشور از طریق قاچاق عمده ارز به صورت شبکه‌ای و سازمان‌یافته به میزان ۱۵۸میلیون و ۸۰۰ هزار دلار و ۲۰میلیون و ۵۰۰ هزار یورو» عنوانی است که برای اتهامات در نظر گرفته‌اند. ● **گفته می‌شود تصمیم به تزریق ارز در مقطع زمانی مدنظر بدون مصوبه شورای پول و اعتبار و بدون داشتن دستور کتبی از رئیس کل بانک مرکزی انجام شده است، به بیان دیگر مقام مسئولی که فقط به‌عنوان مجری باید عمل می‌کرد، خودش سیاست‌گذاری نیز کرده است.**

ای کاش مستندات‌شان را ارائه می‌کردند. شما حتما به خاطر دارید که بازار ارز در سال ۹۶ چه شرایطی داشت. همه تلاش داشتند به هر نحو ممکن شتاب قیمت ارز را کنترل کنند. در آن مقطع و اگر بخواهم دقیق اشاره کنم، آقای شمس‌آبادی، نماینده هیئت‌مدیره بانک مرکزی در دیرخانه شورای امنیت گزارشی به رئیس‌جمهور می‌دهند که تحلیلی از بازار ارز است و در پایان ۹ پیشنهاد برای کنترل بازار ارائه می‌دهند. بند ۵ این پیشنهادها با این عبارت به بانک مرکزی بازمی‌گردد: «دادن مجوز به بانک مرکزی درباره تنوع‌بخشی به ابزارهای مداخله‌ای ازجمله انجام فعالیت‌ها و مداخله در بازار فردایی به صورت پوششی».

● **شورای امنیت می‌تواند دستورات اجرایی بدهد؟ نماینده دادستان تأکید دارد چنانچه این پیشنهادها در شورای امنیت تصویب می‌شد، وجهه قانونی پیدا می‌کرد و قابل اجرا بود؛ اما اکنون این موارد صرفا پیشنهادی شورای امنیت ملی تلقی می‌شود.**

روی این نامه، آقای رئیس‌جمهور دستور قاطع داده است؛ در ضمن اگر اجازه دفاع داده می‌شد، مردم شریف ایران مشاهده می‌کردند که ده‌ها مستند دیگر وجود دارد که نشان می‌دهد این کار نه‌فقط بدون اجازه مقامات ارشد و رؤسای این ۹ متهم انجام نشده است؛ بلکه حتی دستور مصرح برای اقدام وجود داشته است.

● **تصمیم بانک مرکزی برای تزریق ارز به بازار با همکاری وزارت اطلاعات بوده است. جزئیات این همکاری را توضیح می‌دهید؟**

به‌عنوان یک اقدام احتیاطی و در جهت اطمینان از صحت عمل و تأثیر مناسب، متهم اصلی این پرونده تمام اقدامات و جزئیات را با اطلاع و هماهنگی وزارت اطلاعات انجام داده است. در نظر داشته باشید این تزریق ارز در ۱۶ روزی انجام شده که وضعیت کشور خاص بوده و در جریان اتفاقات دی‌ماه ۹۶ بوده است. ضمن آنکه این اقدام در بانک مرکزی مسبقاً به‌سابقه است. بانک مرکزی ۴۰ سال است که به صورت پوششی ارز در بازار می‌فروشد. این کار در قالب رویه‌های داخلی بانک مرکزی انجام شده و همه ادارات ذی‌مدخل در جریان بوده‌اند؛ در بانک مرکزی همه اسناد مربوطه ثبت شده‌اند. کسی که مختصر آشنایی‌ای با رویه‌های داخلی بانک مرکزی داشته باشد می‌داند که ثبت سند در اداره حسابداری کل، بدون وجود مستندات کامل و قانونی امکان‌پذیر نیست. اداره بین‌الملل، اداره عملیات ارزی، اداره حسابداری کل و اداره نشر اسکناس و خزانه همه درگیر این

اقتصاد

یکی از مطلعان پرونده اخلاکران ارزی در گفت‌وگو با «شرق» مطرح کرد

جزئیات جدید از پرونده عراقچی



موضوع بوده‌اند. از همه مهم‌تر این کاری که انجام شده پشتوانه علمی و کارشناسی داشته است.

● **یکی از ایرادات واردشده از سوی نماینده دادستان این است که عرضه ارز در «بازار فردایی» انجام شده، درحالی‌که فعالیت در این بازار از سال ۹۵ ممنوع اعلام شده بود.**

به این سؤال مهم دقت کنید: بازار فردایی را چه کسی ممنوع کرد؟ بازار فردایی صرفا در آبان‌ماه سال ۹۵ در بند ۱۳ مقررات ناظر بر عملیات ارزی صرافی‌ها ممنوع شد. می‌کند، مصوبه معاونت ارزی بانک مرکزی است. حتی دستور رئیس کل هم ندارد، چه برسد به مصوبه شورای پول و اعتبار. این تصمیم معاونت ارزی وقت در حالی مبنای عمل شده که در مقابل، تصمیم همین معاونت برای مداخله در بازار را که یک سال بعد صورت گرفته شده و با دستور مقامات ارشد بوده قانونی نمی‌دانند و گفته می‌شود که مصوبه شورای پول و اعتبار ندارد.

باید تکلیفمان را روشن کنیم. مقرره‌های ارزی بانک مرکزی باید به تأیید شورای پول و اعتبار برسد یا نباید برسد؟ اگر باید به تأیید شورای پول و اعتبار برسد، پس مقررّه ممنوعیت معامله در بازار فردایی –که با استناد به آن عرضه ارز در دی‌ماه ۹۶ محکوم شده– چون به تصویب شورای پول و اعتبار نرسیده، مقررّه باطلی است و عرضه ارز در این بازار هیچ ممنوعیتی نداشته. اگر هم مقرره‌های ارزی بانک مرکزی بدون تأیید شورای پول و اعتبار کارزارش قانونی دارد، پس تصمیم ۹۶ ملّی معاونت ارزی، یعنی تصمیم به ورود به بازار فردایی هم قانونی خواهد بود. به بیان ساده اگر معاونت ارزی یک روز معامله در بازار فردایی را ممنوع کرده است، خود این معاونت می‌تواند در مقطع زمانی دیگر این ممنوعیت را بردارد. نمی‌توان تصمیم اول را قانون دانست و تصمیم دوم را خلاف قانون.

● **اصلا چرا بازار فردایی در سال ۹۵ ممنوع شد؟**

بازار فردایی همیشه بوده. در سال ۹۵ تبدیل به معضل شد و معاون ارزی وقت، آقای کامیاب، آن را ممنوع اعلام کرد با این امید که مشکلات تمام شود. اما نشد. در سال ۹۶ بازار فردایی آن‌قدر بزرگ شد تا جایی که طبق گزارش وزارت اطلاعات روزانه چندصد میلیون دلار در بازار فردایی معامله انجام می‌شد. سال ۹۶ بانک مرکزی و نهادهای امنیتی در نهایت تصمیم می‌گیرند که این بازار را مدیریت کنند. علت هم این است که طبق تئوری اقتصادی و مالی، اگر بازارهای آتی را کنترل کنید بازار نقد نیز تا حد زیادی مدیریت می‌شود. از طرف دیگر معاونت ارزی، یعنی آقای عراقچی، به صورت فوری به‌رسمیت‌شناختن بازار فردایی در سال ۹۶ نداشت. پس از یک طرف بانک مرکزی نمی‌خواست بازار فردایی رسمیت پیدا کند و از طرف دیگر این بازار، بازار مخربی شده بود و باید برای آن کاری انجام می‌شد.

● **چرا از یک کارگزار غیررسمی استفاده شد؟**

پاسخ این سؤال و ابهام آن‌قدر روشن است که انسان را به تعجب می‌اندازد. بازار فردایی قرار نبود رسمی شود. حالا بازاری که قرار است ممنوع بماند، آیا بانک مرکزی می‌تواند به صورت رسمی ورود پیدا کند؟ وقتی می‌گویند یک بازار غیررسمی است و چهارتا دلال کنار هم می‌نشینند و بازارسازی می‌کنند، آیا بانک مرکزی می‌تواند مثلا صرافی‌های بانک ملی را به‌عنوان یک بازگر بفرستد بین دلالان؟ بازاری که غیررسمی اعلام شده و ساعت شش شب معامله انجام می‌دهد، آیا می‌شود در آن بازار و در آن یک صرافی رسمی؛ مثلا صرافی بانک ملی هم کره را بالا بکشد و معامله فردایی داشته باشد؟ پس اصلا و منطقاً نمی‌شد این مداخله از طریق یک نهاد رسمی انجام پذیرد.

● **نحوه آشنایی آقاخانی (کارگزار غیررسمی و مسئول فروش ارز در بازار فردایی) با معاونت ارزی چگونه بود؟ مجاری واسطه‌شدن میثم خدایی برای این آشنایی و دریافت رشوه چو بود؟**

نقیض این ادعا در خود کيفرخواست است. در این کيفرخواست گفته می‌شود رسول مسجّد، معاون بین‌الملل معاونت ارزی بانک مرکزی، دو ساعت امگا، یک دستگاه رنو و یک سفر کیش رشوه گرفته است. در ادامه بیان می‌شود بخشی از این رشوه اسفند ۹۵ از سوی آقاخانی به مسجّد داده شده است. بنابراین آقاخانی سال ۹۵ در بانک مرکزی رفت‌وآمد داشته و برای مدیران آن شناخته‌شده بوده است. آقای عرب‌زاده که در این دوران به معاونت بانک مرکزی منصوب می‌شود، به این دو تاریخ خوب دقت کنید. آیا آقاخانی در زمان عراقچی با واسطه میثم خدایی به بانک مرکزی آمده یا پیش از این با بانک مرکزی در ارتباط بوده است؟ آقای آقاخانی از سال ۹۵ برای جابه‌جایی پول، تأمین اسکناس و تأمین درهم به‌عنوان کارگزار بانک مرکزی فعالیت می‌کرد و قراردادش ایشا به‌عنوان نماینده صرافی انصار نمودن کرد.

● **همه مستندات متقن مربوط به ارتباط آقاخانی و صرافی انصار موجود است، اگر فرصت داده می‌شد که عراقچی از خودش دفاع کند، مستندات ارائه می‌شد و همه در جریان موضوع قرار می‌گرفتند. اگر لازم باشد ایشان مستندات را به اطلاع عموم خواهند رساند.**

● **آقای آقاخانی تأیید صلاحیت هم نشده بود.** اصلا هیچ الزامی برای تأیید صلاحیت وجود نداشت. تأیید صلاحیت آقاخانی یک وسواس از سوی معاونت ارزی بود؛ به همین دلیل از وزارت اطلاعات خواسته شد صلاحیت وی را تأیید کند. بنابراین درحالی‌که الزامی برای گرفتن تأیید صلاحیت وجود نداشت صلاحیت او ابتدا به صورت شفاهی و بعد به صورت کتبی در رفت شد. اساسا روال وزارت اطلاعات در تأیید صلاحیت‌ها این‌گونه است که ابتدا شفافهی تأیید را اعلام می‌کنند و سپس نامه کتبی آن می‌رسد. سؤال مهم این است که اگر ۱۰ روز دودتر تأیید صلاحیت گرفته می‌شد، اخلاک نبود؟ می‌توان گفت فردی ۱۰ روز ابتدای کارش صلاحیت نداشته و از روز یازدهم با ارسال نامه تأیید، صلاحیت کار دارد و هرچه در ۱۰ روز اول انجام داده، جرم است؟

● **فعالیت‌های آقاخانی چگونه نظارت می‌شد؟** موضوعی که در طراحی این اقدام لحاظ شده بود، این بود که آقاخانی اجازه ندارد بابت فروش ارز از کسی اسکناس رyal بگیرد. تمام فعالیت‌ها و معاملات از طریق حساب بانکی انجام می‌شد و وزارت اطلاعات هم بر آن نظارت داشت. این هم اقدامی احتیاطی از سوی عراقچی بود و هرکسی پول واریز می‌کرد، شناسایی می‌کردند. وزارت اطلاعات می‌گوید چندصد مورد حساب بانکی شناسایی و برای مسدودکردن به قوه قضائیه ارجاع داده است.

● **در سال ۹۶، بانک مرکزی تصمیم به مداخله در بازار ارز می‌گیرد و در ۱۶ روز تزریق ارز انجام می‌دهد؛ چرا در این ۱۶ روز ۲۸ حواله انجام شد؟** کل مداخله بانک مرکزی در بازار فردایی در ۱۶ روز انجام شده است؛ یعنی از نیمه آذر تا ۲۰ اسفند ۹۶. عمده آن نیز در دی و روزهای خاص انجام شده است. معاملات فردایی این‌گونه بود که از امروز فروخته می‌شد، اما فردا تحویل داده می‌شد. آقاخانی فردا می‌آمد ارز را تحویل می‌گرفت و می‌برد تحویل می‌داد و ریال را به بانک می‌آورد. اقدام دیگر احتیاطی که انجام شد، این بود که اگر پنج میلیون ارز فردایی فروخته شده بود، در چند مرحله از تحویل داده می‌شد؛ مثلا ابتدا یک میلیون دلار تحویل داده می‌شد، پس از آنکه ریال آن واریز می‌شد، دو میلیون دیگر تحویل داده می‌شد. این مطلبی است که کيفرخواست‌ت نیز به آن اذعان شده است. به همین دلیل در ۱۶ روز ۲۸ مرحله تخصیص ارز انجام شده است.

● **چرا وزارت اطلاعات از ۲۸ مرحله تنها روی شش مرحله نظارت داشته است؟**

وزارت اطلاعات می‌گوید در تمام مراحل نظارت داشته و از این طریق حساب‌های زیادی را شناسایی و مسدود کرده است. اساسا آیا دادگاه باید بر اقدامات وزارت اطلاعات نظارت کند؟ البته وزارت اطلاعات باید خودش رسما از عملکردش دفاع کند. نمی‌توان انتظار داشت متهمان این پرونده روی کار وزارت اطلاعات سب و محافظت زیادی به طور کامل کار را زمین بگذارند و هیچ اقدامی بیریزد. هیچ مدیریتی روی بازار انجام نمی‌شد. آقای همتی بعد از مدتی دید این روال را نمی‌توان ادامه داد. از سویی هر اقدامی بخواهد انجام دهد، باید مصوبه شورای پول و اعتبار را بگیرد وگرنه تبعات بعدی دارد. کاری که ایشان کرد این بود که در جلسه سران سه قوه، یک مصوبه میثم گرفت. در این مصوبه آمده است: «به منظور مدیریت بازار ارز، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با اختیار کامل توام با مراقبت‌های لازم برای مدیریت بازار در قالب سیاست‌ها، تدابیر و اقدامات ضروری که به تأیید رئیس بانک مرکزی می‌رسد از طریق بانک‌ها، صرافی‌های مجاز و دیگر روش‌های مناسب در بازار از مداخله کرده و از منابع ارزی خود و صادرکنندگان غیرنفتی اقدام به عرضه نماید». الان می‌بینیم آقای همتی به همه طریقی در بازار مداخله می‌کند.

● **به هر حال، سال ۹۶ این مصوبه در اختیار بانک مرکزی نبود.** اولاً سال ۹۶ مرجعی به‌عنوان سران سه قوه وجود نداشت. تا آنجا همه بحث در حال حاضر سر مجوز شورای پول و اعتبار است. من یک سؤال مهم می‌پرسم. اگر مصوبه شورای پول و اعتبار گرفته می‌شد، دیگر این اقدام اخلاک نبود؟ یعنی معیار تشخیص اینکه اقدامی موجب اخلاک در نظام ارزی می‌شود یا نمی‌شود، صرفا یک مجوز شورای پول و اعتبار است؟ به‌فرض چنین مصوبه‌ای اخذ نشده است و جای که باید می‌شد، این در نهایت تخلفی اداری است نه اخلاک در نظام اقتصادی.

داشت. اینکه این ضمانت قابلیت تضمین کار حواله ارزی را دارد یا خیر، محل تشکیک معاونت ارزی قرار گرفت و به آقاخانی گفته شد تضمینی دیگر در اختیار بانک بگذار. آقاخانی هم ۲ میلیون درهم به حساب بانک مرکزی در دویی واریز کرد. بعد از آن احتمالا ادارات مربوطه در بررسی‌هایی که داشتند، به این نتیجه رسیدند که ضمانت ۱۳۰ میلیارد تومان در این فقره نیز قابل استفاده است بنابراین ۲۰ میلیون درهم را به ایشان بازگردانند. حالا اصلا فرض کنید آقاخانی تضمین نداشته که البته فرض اشتباهی است، مگر پولی از بین رفته یا درزیده شده است؟ اصلا فرض کنید ضمانتی از او گرفته نشده و ضمانت‌های او آزاد شده است که البته فرض اشتباهی است، آیا مگر پولی کم شده است؟ مگر پولی به جیب کسی رفته است؟ آقای همتی در نامه‌ای در شهریور ۹۷ به که با آقای ازهای می‌نویسد، تأکید می‌کند: «معادل ریالی ارزهای واگردانی‌شده پس از فروش توسط آقاخانی به طور کامل و در زمان مقرر به حساب اداره عملیات ارزی بانک مرکزی واریز شده و هیچ وجهی از هم ارز ریالی ارزهای مورد بحث نزد نامبرده نمی‌باشد». اگر پول‌ها پیش آقاخانی مانده بود و به حساب بانک مرکزی باز نمی‌گشت، آن وقت باید مسئولان بانک را توبیخ می‌کردند که چرا تضمین بیشتری از او اخذ نشده بود.

● **هرچند به دستورات کتبی‌ای که برای اجرای این مداخله ارزی وجود داشته، اشاره شد اما همچنان نبود مصوبه از شورای پول و اعتبار محل پرسش است.** استاد دادسان برای لزوم گرفتن مصوبه شورای پول و اعتبار بند «ج» ماده ۱۱ قانون پولی و بانکی کشور است. ذیل وظایف و اختیارات بانک مرکزی می‌گوید: «تنظیم مقررات مربوط به معاملات ارزی و تعهد با تضمین پرداخت‌های ارزی با تصویب شورای پول و اعتبار و همچنین نظارت بر معاملات ارزی». بنابراین بند «ج» ماده ۱۱ سه جز، دارد. تنظیم مقررات، تعهد پرداخت و نظارت بر معاملات ارزی.

از سال ۵۱ که این قانون مصوب شده تا به امروز تفسیر شورای پول و اعتبار و تفسیر بانک مرکزی دال بر این بوده که مقررات ارزی به شورای پول و اعتبار برمی‌گردد و فقط تعهد و تضمین به شورای پول و اعتبار باز می‌گردد.

● **چرا؟** از زمان تأسیس بانک مرکزی هیچ‌گاه هیچ نهادی جز بانک مرکزی در مقررّه‌گذاری ارز ورود نکرده است. شورای پول و اعتبار و نظارت تاریخ خود مصوبه‌ای درباره مقررّه ارزی ندارد. اصلا مقررّه‌گذاری شان شورا نیست. سیاست‌گذاری کار شورای پول و اعتبار است اما مقررّه‌گذاری که امروز روزانه در بانک مرکزی انجام می‌شود، هیچ یک در شورای پول و اعتبار طرح نمی‌شود. اصلا نمی‌شود مقررّه‌گذاری را به شورای پول و اعتبار واگذار کرد. شورایی که دو هفته یک بار برگزار و مباحث کلی در آن مطرح می‌شود، فرصت رسیدگی به این جزئیات و مصوب‌کردن مقررّه‌ها را ندارد. به این موضوع هم دقت کنید. الان بانک مرکزی با قوه قضائیه سر این موضوع قانونی اختلاف نظر دارد؛ اینکه شورای پول و اعتبار باید مقررّه‌ها را مصوب کند یا نه. مقررّه‌گذاری بانک مرکزی است. مگر چرا این کار چیست؟ مرجع تفسیر هر قانونی، تصویب‌کننده آن است. مرجع تصویب این قانون هم مجلس است. بنابراین باید از مجلس استفسار گرفت.

● **گفته می‌شود بانک مرکزی قرارداد کتبی با کارگزار منعقد نکرده است چون اگر این قرارداد به دایره حقوقی بانک ارجاع می‌شد، این دایره آن را رد می‌کرد.** پس دایره حقوقی بانک مرکزی را به عنوان یک مرجع قبول دارند. اگر دایره حقوقی بانک مرکزی را به رسمیت بشناسند، باید مسئولان آن را صدا کنند و بپرسند این کار از نظر دایره حقوقی بانک مرکزی جرم محسوب می‌شود یا خیر. آیا باید مصوبه شورای پول و اعتبار گرفته می‌شد یا خیر. بلاخره یک جایب به عنوان مرجع پذیرفته شود. اجازه دهید به نکته‌ای اشاره کنم. بعد از دستگیری مسئولان ارزی، دلار از ۲۰ هزار تومان تا ۲۰ هزار تومان جهش پیدا کرد. یکی از دلایل این بود که بخش ارزی کاملا خلع سلاح بود. آقای همتی تازه آمده بود و به کسی در بخش ارزی اعتماد نداشت. دلیل دیگر این بود که این دستگیری سبب شد در این بخش کار را به طور کامل کار را زمین بگذارند و هر اقدامی بیریزد. هیچ مدیریتی روی بازار انجام نمی‌شد.

۱- شناسایی مسائل مشترک محدوده‌های هدف؛ براساس رویه مرسوم در سازمان فنی حرفه‌ای سرفصل‌های آموزشی متناسب با نیاز بازار کار تعیین و متناسب با آن طرح درس‌ها به نیاز، استانداردسازی و سپس به متقاضیان آموزش داده می‌شود؛ بنابراین ابتدا ضروری بود که نیازهای متقابل «بازار باآفرینی شهری» و اهل محل شناسایی شده و برای آن طراحی‌های آموزشی صورت گیرد. برای دستیابی به این هدف اقدامات زیر انجام شده است:

۱- شناسایی مسائل مشترک محدوده‌های هدف؛ براساس مطالعات انجام‌شده، هریک از گونه‌های محلات هدف (غیررسمی، ناکارآمد میانی موسوم به فرسوده و تاریخی) مشخصه‌ها، ظرفیت‌ها و چالش‌های خاصی را برای اتصال به «بازار باآفرینی شهری» دارد که دراین‌باره ابتدا مسائل مشترک این بافت‌ها شناسایی شد.

۲- تهیه برنامه توسعه اقتصاد محله (LED)؛ با توجه به ظرفیت‌های موجود در سازمان فنی حرفه‌ای کشور در تهیه سندهای مهارت‌آستانی و طرح جامع اشتغال و آگاهی این سازمان از وضعیت نیاز بازار کار، فرصت متممیت استست با تاکید بر «بازار باآفرینی شهری» سند توسعه اقتصاد محله تنظیم و براساس این برنامه، اقدامات مختلف درباره بازار محله، شهر، سطح ملی و سطح جهانی طراحی و به‌عنوان برنامه در سطح بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت طراحی و به اجرا برسد که این اقدام به‌عنوان برنامه مشترک با این سازمان توافق شده است.

۳- شناسایی فرصت‌های اشتغال با توجه به نیاز سازمان‌های مختلف برای فعالیت در محلات؛ یکی از فرصت‌های اشتغال مهارت‌آموزی اهل محل درباره نیازهای نهادهای سیاست‌گذار و خدمات‌رسان است. درحال‌حاضر سازمان‌های مختلف دولتی و حاکمیتی بسر رویکرد محله‌محور برای اقدامات و روش تسهیلگری برای خدمت‌رسانی به محله‌ها و محدوده‌های هدف توافق دارند. آموزش اهل محل در زمینه مهارت تسهیلگری فرصت مناسبی را هم برای اشتغال اهل محل و همچنین امکان پایدارسازی فعالیت‌های سازمان‌های خدمات‌رسان فراهم می‌کند.

ادامه در صفحه ۵

فرصتی برای تولید و ارتقای مسکن خود



● برنامه باآفرینی شهری یکی از محورهای هشت‌گانه رونق تولید و اشتغال است که از محل تبصره ۱۸، بودجه‌ای برای آن مصوب شده است. اهمیت تبصره ۱۸ برداشت از صندوق ذخیره ملی است که با دستور و موافقت مقام معظم رهبری انجام شده و بیان‌کننده عزم ملی برای توجه به محدوده‌های ناکارآمد بازآمد شهری اعم از سکونتگاه‌های غیررسمی، بافت‌های ناکارآمد میانی موسوم به بافت فرسوده و احیای بافت‌های ارزشمند و تاریخی است و در راستای برنامه اشتغال‌زایی دولت باید هزینه شود.

برنامه ملی باآفرینی شهری سه ویژگی دارد: نخست جامعیت در تهیه برنامه از ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و محیط زیستی، دوم انسجام سازمانی و همکاری بین‌بخشی و سوم مشارکت اجتماعی که این سه نقشه راهی است که قواعد حاکم بر «بازار باآفرینی شهری» را مشخص کرده و هدف اصلی آن ارتقای کیفیت زندگی ساکنان در این بافت‌هاست. این برنامه نه‌فقط به ارتقای زیرساخت‌ها و افزایش دسترسی مردم ساکن در این محدوده‌ها به خدمات رونمایی توجه دارد؛ بلکه نوسازی و بهسازی مسکن و توان‌افزایی اهل محل در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و نهادی را همراه با تهیه برنامه‌ها و طرح‌های مورد نیاز محلات در بر می‌گیرد.
مجموع این اقدامات «بازار باآفرینی شهری» را در کشور و به‌ویژه درون محله‌ها هدف شکل داده و به دلیل اینکه اقدامات اجرایی این برنامه عمدتا در بخش ساختمان و مسکن است، در گروه برنامه‌های اصلی رونق اقتصادی و اشتغال در کشور قرار گرفته است.

پرسشی که این یادداشت سعی می‌کند به آن پاسخ دهد، این است که برنامه توان‌افزایی اقتصادی، اجتماعی و نهادی -به‌عنوان یکی از محورهای باآفرینی شهر- چگونه زمینه‌های دسترسی اهل محل به «بازار باآفرینی شهری» را که عمدتا بخش مسکن و ساختمان است، فراهم می‌کند؟

در طرح جامع مسکن (وزارت راه و شهرسازی؛ ۱۳۹۳) قواود «چارچوب بازار بخش مسکن در سطح کلان و ملی روشن شده و در زمینه‌های مختلف آن را طراحی و بسته پیشنهادی ویژه محدوده‌های باآفرینی شهری را نیز ارائه داده است. برای اجرای این طرح در سطح محله‌ای نیز کوشش‌هایی در شرکت باآفرینی شهری انجام شده است (بشت‌مشهدی و دیگران ۱۳۹۴). این بررسی‌ها حاکی از آن است که برای ایجاد ارتباط بین بخش مسکن و ساختمان و رونق ایجاد محله با رویکرد اجتماع‌محور نیاز به چارچوب اقدام ویژه است که دستکده‌های مختلف عضو ستاد ملی برای تحقق آن باید سهم و نقش خود را ایفا کنند. در تحلیل نهادی انجام‌شده در دفتر مطالعات کاربردی و امور ترویجی شرکت باآفرینی شهری ایران، نیاز هدف برای برداشتن گام نخست از آن است که برنامه، نهاد فنی و حرفه‌ای در نظر گرفته شد؛ به این اعتبار که وظیفه اصلی این سازمان مهارت‌آموزی و ارتقای مهارت‌های شغلی آحاد مردم است.

براساس رویه مرسوم در سازمان فنی حرفه‌ای سرفصل‌های آموزشی متناسب با نیاز بازار کار تعیین و متناسب با آن طرح درس‌ها به نیاز، استانداردسازی و سپس به متقاضیان آموزش داده می‌شود؛ بنابراین ابتدا ضروری بود که نیازهای متقابل «بازار باآفرینی شهری» و اهل محل شناسایی شده و برای آن طراحی‌های آموزشی صورت گیرد. برای دستیابی به این هدف اقدامات زیر انجام شده است:

۱- شناسایی مسائل مشترک محدوده‌های هدف؛ براساس مطالعات انجام‌شده، هریک از گونه‌های محلات هدف (غیررسمی، ناکارآمد میانی موسوم به فرسوده و تاریخی) مشخصه‌ها، ظرفیت‌ها و چالش‌های خاصی را برای اتصال به «بازار باآفرینی شهری» دارد که دراین‌باره ابتدا مسائل مشترک این بافت‌ها شناسایی شد.

۲- تهیه برنامه توسعه اقتصاد محله (LED)؛ با توجه به ظرفیت‌های موجود در سازمان فنی حرفه‌ای کشور در تهیه سندهای مهارت‌آستانی و طرح جامع اشتغال و آگاهی این سازمان از وضعیت نیاز بازار کار، فرصت متممیت استست با تاکید بر «بازار باآفرینی شهری» سند توسعه اقتصاد محله تنظیم و براساس این برنامه، اقدامات مختلف درباره بازار محله، شهر، سطح ملی و سطح جهانی طراحی و به‌عنوان برنامه در سطح بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت طراحی و به اجرا برسد که این اقدام به‌عنوان برنامه مشترک با این سازمان توافق شده است.

۳- شناسایی فرصت‌های اشتغال با توجه به نیاز سازمان‌های مختلف برای فعالیت در محلات؛ یکی از فرصت‌های اشتغال مهارت‌آموزی اهل محل درباره نیازهای نهادهای سیاست‌گذار و خدمات‌رسان است. درحال‌حاضر سازمان‌های مختلف دولتی و حاکمیتی بسر رویکرد محله‌محور برای اقدامات و روش تسهیلگری برای خدمت‌رسانی به محله‌ها و محدوده‌های هدف توافق دارند. آموزش اهل محل در زمینه مهارت تسهیلگری فرصت مناسبی را هم برای اشتغال اهل محل و همچنین امکان پایدارسازی فعالیت‌های سازمان‌های خدمات‌رسان فراهم می‌کند.

ادامه در صفحه ۵